



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری
دوره ۱۷ / شماره ۲ (پیاپی ۶۶) / تابستان ۱۴۰۷
صفحه ۴۹۱ تا ۵۰۷

تأثیر سواد مالی مدیران شرکت‌ها بر اثربخشی و سودآوری سازمان

احمد فیضی زاده

عضو هیات علمی گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی سواد مالی مدیران شرکت‌ها و شناسایی عوامل مؤثر بر آن طراحی و اجرا شده است. در مرحله کیفی پژوهش، مولفه‌های سواد مالی مدیران با استفاده از روش پدیدارشناسی، شناسایی و پس از تایید و وزن دهی، پرسشنامه سواد مالی مدیران تدوین سپس در مرحله کمی پژوهش، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، پرسشنامه‌ها بین ۲۲۹ نفر از مدیران شرکتهای منتخب توزیع و داده‌های گردآوری شده با تکنیک‌های مناسب آماری تحلیل شده است.

نتایج نشان داد مدیران فاقد سواد مالی کافی به ویژه در حوزه‌های تخصصی هستند و ضرورت دارد به نحو مقتضی مهارت‌های مالی در حوزه تخصصی را افزایش دهند.

پژوهش حاضر نخستین بار در ایران با رویکرد کیفی پدیدارشناسی به ارائه ابزاری مناسب جهت ارزیابی سواد مالی مدیران شرکت‌ها پرداخته که این امر میتواند نقطه آغازی برای انجام مطالعات جدید در این حوزه باشد.

واژه‌های کلیدی: پدیدارشناسی، روش کولایزی، رویکرد کیفی، سواد مالی مدیران

۱- مقدمه

شاه کلید نجات بخش اقتصاد کشور تولید است که با تحقق حداکثری رونق و حصول مثبت و سازنده در این عرصه، مقاومت پذیری اقتصاد کشور به بهترین نحو ممکن تقویت می‌شود. در چنین شرایطی آسیب‌های ناشی از تکانه‌های اقتصادی، شوک‌ها و تحریم‌های خارجی به حداقل ممکن کاهش پیدا می‌کند. بنابراین، بایستی به واحد‌های تولیدی و در راس آن به مدیران به عنوان نیروی محرکه اصلی شرکت‌ها توجه ویژه‌ای نمود. صلاحیت مدیران از نظر مهارت‌های مدیریتی یکی از مهمترین عوامل استمرار موفقیت در هر سازمان است. اثربخشی و کارایی مدیران مستلزم داشتن مهارت‌های مدیریتی است و نقصان هر یک از مهارت‌ها شانس موفقیت واحد تجاری به عنوان یک کل را کاهش می‌دهد. در این راستا صاحب نظران مهارت‌های متنوعی را برای مدیران ضروری میدانند که نداشتن آنها باعث شکست می‌شود. رابرت کاتز، سه مهارت اساسی مدیریتی شامل، مهارت فنی، مهارت‌های انسانی و مهارت‌های مفهومی را شناسایی نمود. مهارت فنی یعنی دانایی و توانایی در انجام دادن وظایف خاص که لازمه آن ورزیدگی در کاربرد فنون و ابزار ویژه و شایستگی عملی در رفتار و فعالیت است. مهارت انسانی یعنی داشتن توانایی و قدرت تشخیص در زمینه ایجاد محیط تفاهم و همکاری و انجام دادن کار به وسیله دیگران می‌باشد. مهارت ادراکی یعنی توانایی درک پیچیدگی‌های کل سازمان و تصور همه عناصر و اجزای تشکیل دهنده کار و فعالیت سازمانی به صورت یک کل واحد است (مظفیری و همکاران). از جمله مهارت‌های فنی که برای موفقیت مدیران در عرصه تولید و تجارت موثر و ضروری می‌باشد، سواد مالی است. سواد مالی با مفهوم هوش مالی در ارتباط است و شامل مجموعه مهارت‌هایی می‌باشد که فراگیری آن برای افرادی که می‌خواهند کسب و کار موفق داشته باشند، ضروری است (پلاکالویک).

جهت ارزیابی سواد مالی مدیران، سنجش مولفه‌های سواد مالی عمومی (درآمد و پس انداز و سرمایه‌گذاری، خرج و سرمایه‌گذاری، بیمه و بازنشستگی) که همه اقشار جامعه بایستی داشته باشند، کافی نبوده و سواد مالی تخصصی، که لازمه اداره و رهبری کارا و موثر شرکت‌ها و واحدهای تجاری می‌باشد، نیز بایستی مورد بررسی قرار گیرد که تا کنون در ایران شناسایی و اندازه‌گیری نشده است، بنابراین ضروری می‌باشد که ابتدا مولفه‌های سواد مالی تخصصی در جهت ساخت ابزاری مناسب برای ارزیابی دقیق سواد مالی مدیران شناسایی و وزن دهی شوند. در بسیاری از مطالعات سواد مالی که تعدادی از آنها در مبانی نظری ذکر خواهد شد، تاثیر عواملی از جمله؛ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، سطح تحصیلات، تجربه و گذراندن دوره‌های مالی بر سطح سواد مالی سایر جوامع تایید شده است. برای ارتقای سواد مالی مدیران نیز آگاهی از تاثیر این عوامل ضروری می‌باشد. لذا با توجه به مطالب پیش گفته هدف این پژوهش سنجش سواد مالی عمومی و تخصصی مدیران شرکتهای خصوصی ایرانی است، همچنین ارتباط عواملی از جمله؛ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، سطح تحصیلات، تجربه مدیریت، گذراندن دوره‌های مالی، اندازه شرکت، نوع صنعت و زمینه فعالیت شرکت و سواد مالی مدیران، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه مبانی نظری، فرضیه‌ها، روش شناسی پژوهش و نتایج و یافته‌های پژوهش ارائه می‌شود.

۲- مبانی و چارچوب نظری و فرضیه‌ها

پژوهش‌های سواد مالی در دو گروه عمده قرار می‌گیرند؛ گروه اول مربوط به پژوهش‌هایی است که به بررسی مؤلفه‌ها یا عناصر سواد مالی می‌پردازند مانند؛ پژوهش یعقوب نژاد و همکاران در ایران، لوساردی و میشل، هوستن، حوسین و همکاران و پژوهش‌های سازمان همکاری و توسعه اقتصادی. گروه دوم، پژوهش‌هایی هستند که با استفاده از یافته‌های پژوهش‌های گروه اول به بررسی و سنجش سواد مالی می‌پردازند مانند سنجش سواد مالی در کشورهای مختلف، بررسی رابطه سواد مالی با تصمیمات و متغیرهای مختلف، بررسی رفتارها و ویژگی‌های افراد با سطوح سواد مالی مختلف، بررسی رابطه بین آموزش‌های مالی و سواد مالی و این‌که آیا کم سواد مالی می‌تواند بهبود یابد یا خیر.

با توجه به این‌که هدف پژوهش حاضر سنجش سواد مالی مدیران شرکت‌هاست و بررسی‌های محقق حاکی از عدم وجود پرسشنامه مناسب در کشور جهت این امر دارد لذا پژوهش حاضر رسالت اولیه خود را شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های سواد مالی مدیران قرار داده تا مبتنی بر آن ابزار پژوهش تدوین گردد لذا در ادامه مبانی نظری حاکم بر ابعاد و مؤلفه‌های سواد مالی ارائه گردیده است. در پژوهش یعقوب نژاد و همکاران با استفاده از روش دلفی فازی و کسب اجماع خبرگان مؤلفه‌های سواد مالی عمومی که عبارتند از؛ درآمد و پس انداز و سرمایه‌گذاری، خرج و سرمایه‌گذاری، بیمه و بازنشستگی، شناسایی گردیدند. در بخش سواد مالی عمومی از ابزار ارائه شده در این پژوهش استفاده شده است.

همان‌گونه که از بررسی پیشینه‌های نظری مشخص است اغلب تحقیقات انجام شده در حوزه سواد مالی عمومی بوده و به معرفی ابعاد و مؤلفه‌های سواد مالی عمومی پرداخته‌اند و محدود تحقیقاتی که در حوزه سواد مالی مدیران انجام شده صرفاً به جنبه‌های محدودی از سواد مالی مدیران پرداخته‌اند، بنابراین ضرورت دارد با رویکرد پدیدارشناسی و با استفاده از تجربه خبرگان مالی ابعاد و مؤلفه‌های سواد مالی شناسایی گردد.

۲-۱- لزوم سنجش سواد مالی مدیران

بوکدادی و همکاران (۲۰۲۰) معتقد هستند آگاهی مدیران از مفاهیم مالی و توانایی استفاده و مهارت‌های مرتبط با آن باعث می‌شود مدیران تصمیمات تجاری مناسبی اتخاذ نمایند که این امر بر تداوم و موفقیت در کسب و کار تأثیر می‌گذارد بنابراین، سنجش سواد مالی مدیران حائز اهمیت می‌باشد.

وایس در پژوهشی با عنوان تأثیر سواد مالی بر فعالیت اقتصادی جدید نشان داد که سواد مالی برای بقای شرکت‌های کوچک و متوسط در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، مهم بوده و پایین بودن آن موجب ضعیف شدن شیوه‌های مدیریت مالی و به تبع آن منجر به اشتباهات مالی مکرر می‌گردد (یه و کولاتونگا). بایراکداروقلو و بتان به بررسی توانایی مدیران شرکتهای کوچک و متوسط در استفاده از ابزارهای بازار مالی پرداختند، نتایج نشان می‌دهد که مدیران با سطح سواد مالی بالاتر، بیشترین مشارکت را در بازارهای مالی داشتند و عوامل رفتاری بر مشارکت در بازار اثر می‌گذارد. نتایج پژوهش پلاکاوویک و همکاران با هدف بررسی سطح سواد مالی مدیران شرکت‌های متوسط و کوچک حاکی از آن است که دانش مالی مدیران شرکتهای بررسی شده به

طور غیر منتظره ای پایین تر از سطح مقدماتی بوده و مدیران شرکتهای کوچک و متوسط از نسبت های مالی، بسیار کم استفاده میکنند و از این رو با تجزیه و تحلیل این نسبت ها آشنایی زیادی نداشته و از ارزش دارایی های نامشهود شرکت، اطلاعات چندانی ندارند و مدیریت نقدینگی شرکت همانند فرهنگ رایج مدیریت نقدینگی جامعه، مقدماتی بود. نتایج پژوهش کیموندو و همکاران با عنوان تاثیر سواد مالی بر عملکرد مالی شرکت های کوچک و متوسط، نشان داد که رابطه مثبت قوی و معناداری بین سواد مالی صاحبان و عملکرد مالی شرکت های کوچک و متوسط وجود دارد همچنین سطح بالایی از سواد مالی در میان صاحبان شرکت، منجر به عملکرد مالی بالاتر شرکت های کوچک و متوسط میشود که با نتایج پژوهش فرناندز با هدف بررسی سواد مالی مدیران و عملکرد واحدهای تجاری، سازگار میباشد. انیولا و انتبانگ فقدان سواد مالی را به عنوان مشکل مشترک در شرکت های کوچک و متوسط شناسایی کردند (یه و کولاتونگا). نتایج پژوهش حوسین و همکاران با عنوان بررسی رابطه بین سواد مالی، دسترسی به سرمایه و رشد در شرکت های کوچک و متوسط در نواحی مرکزی بریتانیا نشان می دهد که سواد مالی مدیران عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه های نظارت را کاهش داده و ساختار سرمایه شرکت را مطلوب میسازد که بر رشد شرکت ها تأثیر مثبت می گذارد بنابراین سواد مالی به عنوان منبع اصلی بر اتخاذ تصمیم گیری های مؤثر مدیران شرکت های کوچک و متوسط کمک می کند.

نتایج پژوهش فرناندز نشان می دهد با افزایش اندازه شرکت، سطح سواد مالی مالکان افزایش یافته و با نتایج پژوهش کوتو سازگار است، که میتواند به دلیل آموزش ناکافی مدیران شرکت های کوچک میباشد. با توجه به مطالب ارائه شده در این بخش و مبتنی بر مبانی نظری، در ادامه ابتدا سوال های مرتبط با بخش کیفی تحقیق که با رویکرد پدیدارشناسی و با هدف شناسایی ابعاد و مولفه های سواد مالی مدیران شرکت ها انجام شده، مطرح و در ادامه با توجه به هدف بخش کمی پژوهش و مبانی ذکر شده، فرضیه های پژوهش مطرح میگردد.

۳- پیشینه تحقیق

دوولی و رودریگوئیس پلنز (Davoli and Rodríguez-Planas, 2020) به بررسی ارتباط بین فرهنگ و سواد مالی بزرگسالان در ایالات متحده امریکا پرداختند. آنها با بررسی ۶۰۰۰ نفر که از ۲۶ کشور متفاوت اجداد آنها به امریکا مهاجرت کرده بودند، به این نتیجه رسیدند که اگر فردی از کشور اجدادی با سواد مالی متوسط می آمد، احتمال اینکه به سؤالات سواد مالی در رابطه با تورم، متنوع بودن ریسک درست پاسخ دهد بالا بود. مؤلفه های فرهنگی پشت این نتیجه گیری شامل تأکید جدی بر صبر، جهت گیری طولانی مدت و ریسک گریزی در کشور اجدادی است. لی، لی و وی (Li, Li and Wei, 2020) به بررسی تأثیر سواد مالی بر انتخاب پرتفوی سرمایه گذاری خانوارها و بازدهی سرمایه گذاری در بازارهای مالی پرداختند. آنها بر مبنای اطلاعات داده های پانلی خانوارهای چین، نشان دادند که سواد مالی باعث افزایش بازده سرمایه گذاری برای خانواده های جوان و دارای تحصیلات بیشتر می شود در حالی که بازده خانواده های مسن و دارای تحصیلات کمتر را کاهش میدهد.

قالمق و همکاران به بررسی رابطه بین میزان سواد مالی و میزان شخصیت ماکیاولیستی سرمایه گذاران بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. هدف اصلی تحقیق، معرفی معیارهایی برای سنجش میزان سواد مالی سرمایه گذاران

و بررسی رابطه آن با میزان شخصیت ماکیاولیستی آنها جهت یافتن مناسب‌ترین معیار موجود بود. این مطالعه برای یک دوره ۲ ساله در قلمرو مکانی بورس اوراق بهادار تهران و کارگزاران و شرکت‌های سرمایه‌گذاری فعال در بازار انجام شده است. پس از گردآوری اطلاعات با توزیع پرسشنامه‌های استاندارد بین‌المللی (پس از بومی‌سازی با شرایط داخل کشور) در بین سرمایه‌گذاران و جمع‌آوری پاسخ‌های آن و محاسبه متغیرهای تحقیق، با استفاده از روش مدل آماری مناسب ارائه شده است. نتایج، spss آماری رگرسیون چندگانه به تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزار حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی از وجود رابطه معنادار منفی بین میزان سواد مالی و میزان شخصیت ماکیاولیستی سرمایه‌گذاران است.

حسن زاده و همکاران، به شناسایی عوامل مؤثر بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و بررسی رابطه سطح سواد مالی سرمایه‌گذاران و تصمیم‌های سرمایه‌گذاری آنان است. این پژوهش از نوع همبستگی است و برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است. این پرسشنامه به شناسایی عوامل مؤثر بر تصمیمات سرمایه‌گذاران و همچنین ارزیابی سطح سواد مالی و درک ریسک سرمایه‌گذاران می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که ذهنیات فردی، اطلاعات حسابداری، اطلاعات اقتصادی و نیازهای مالی شخصی بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری در ایران، تأثیر دارند. در حالی که بین سطح سواد مالی و تصمیمات سرمایه‌گذاران، رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین مشخص گردید سن، جنسیت، وضعیت تاهل رابطه معنی‌داری با تصمیمات سرمایه‌گذاران ندارد ولی سطح تحصیلات با سواد مالی سرمایه‌گذاران رابطه مستقیم و معنی‌داری دارد.

۴- پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش

۴-۱- سوالات بخش کیفی پژوهش

۱) حوزه‌های (ابعاد و مولفه‌های) سواد مالی تخصصی مدیران کدامند؟! و وزن و اهمیت این مولفه چگونه است؟!

۲) ابزار مناسب جهت اندازه‌گیری سواد مالی عمومی و تخصصی مدیران چیست؟!

۴-۲- فرضیه‌های بخش کمی پژوهش

- فرضیه اول؛ مدیران شرکتهای ایرانی از نظر مالی با سواد هستند.
- فرضیه دوم؛ بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مدیران و سطح سواد مالی آنها رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- فرضیه سوم؛ بین سطح تحصیلات مدیران و سطح سواد مالی آنها رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- فرضیه چهارم؛ بین تجربه و سابقه مدیریت مدیران و سطح سواد مالی آنها رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۵- روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر در دو مرحله انجام می‌شود، مرحله اول پژوهش، مبتنی بر پارادایم تفسیری بوده و به لحاظ جهت‌گیری، بنیادی است، زیرا به دنبال یافتن مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری سواد مالی مدیران می‌باشد و از سوی دیگر کاربردی است زیرا به صورت کاربردی می‌توان با بکارگیری این مؤلفه‌ها سواد مالی مدیران را مورد ارزیابی قرار داد، بدین لحاظ در مرحله اول به شناسایی و وزن‌دهی ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری سواد مالی مدیران و همچنین تدوین پرسشنامه پرداخته می‌شود، لذا روش پژوهش کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف از انجام این پژوهش اکتشافی است زیرا مسأله‌ای را مورد توجه قرار می‌دهد که قبلاً به این صورت و در این سطح به آن پرداخته نشده است، و به صورت تک‌مقطعی انجام می‌پذیرد. محیط پژوهش، میدانی و استراتژی آن پدیدارشناسی از نوع تفسیری می‌باشد، زیرا به توصیف صرف نمی‌پردازد و نتایج مصاحبه‌ها را نیز تفسیر می‌کند. شیوه گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته و شیوه تحلیل داده‌ها با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی (گزینشی) انجام گرفته است. در این پژوهش از چهار پرسشنامه بنا به ضرورت استفاده شده است. اولین پرسشنامه، برای اعتبارسنجی و تعیین اهمیت مؤلفه‌های شناسایی شده از نظر خبرگان، استفاده گردید. در پرسشنامه دوم، با استفاده از مقایسات زوجی به وزن‌دهی این مؤلفه‌ها پرداخته؛ در مرحله بعد با توجه به مصاحبه با خبرگان، پرسشنامه اولیه طراحی و به وسیله روش دلفی فازی میزان اهمیت سوالات سنجیده و تعدادی از سوالات حذف گردیدند همچنین از خبرگان در مورد مدت زمان و تعداد پرسش‌های لازم برای سنجیدن سواد مالی مدیران پرسش گردید، در آخر پرسشنامه نهایی که برای سنجش سواد مالی مدیران مناسب بود، تدوین گردید. سوالات مزبور حاصل اجماع خبرگان مالی منتخب بوده است که قسمت اول آن مرتبط با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، سطح تحصیلات، میزان تجربه، گذراندن دوره‌های مالی، نوع صنعت و زمینه فعالیت و قسمت دوم آن حاوی ۴۰ سوال است که با توجه به وزن‌دهی به دست آمده مربوط به حوزه‌ها و مؤلفه‌ها، ۱۲ سوال به سنجش سواد مالی عمومی (برگرفته از پرسشنامه پژوهش یعقوب نژاد و همکاران) و ۲۸ سوال بعدی به سنجش سواد مالی تخصصی (مبتنی بر مؤلفه‌های شناخته شده در این پژوهش) اختصاص یافته است.

در مرحله دوم به دلیل اندازه‌گیری سواد مالی مدیران، پژوهش از نوع کمی و هدف آن توصیفی با استفاده از پیمایش می‌باشد و محیط آن، میدانی و شیوه گردآوری داده‌ها از طریق پرسشنامه و از بعد تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز پژوهش حاضر از نوع همبستگی تلقی می‌شود.

۶- جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

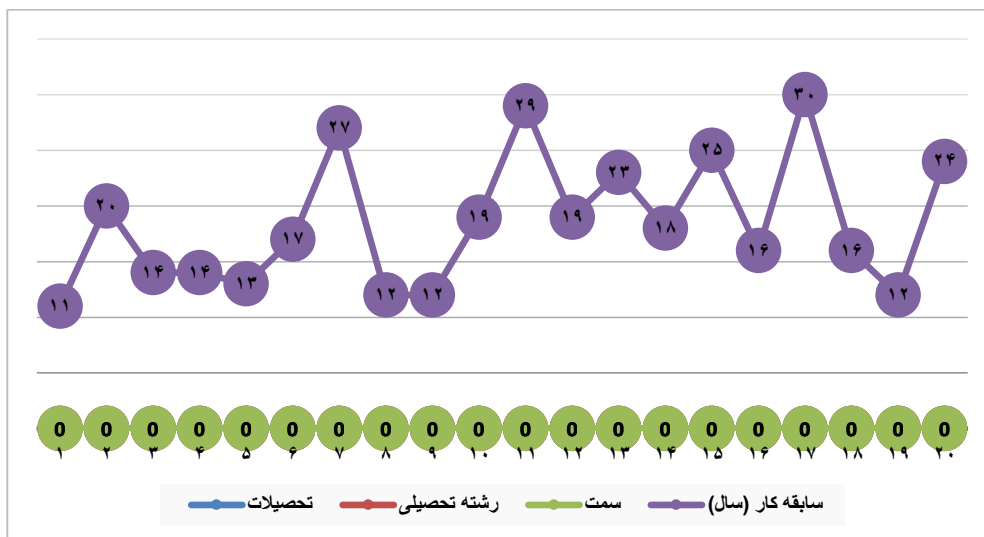
در پژوهش کیفی حاضر، جامعه آماری از دو گروه تشکیل شده است. گروه اول شامل متخصصین و خبرگانی می‌باشد که از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها بوده‌اند و گروه دوم نیز، شامل کارشناسان خبره و مدیرانی است که حداقل ۱۰ سال سابقه حضور در بازار سرمایه را داشته‌اند. نمونه‌گیری در این مرحله از پژوهش به صورت هدفمند می‌باشد. روش نمونه‌گیری هدفمند به این معنی است که بتواند بر حسب موضوع، مسئله و موقعیت پژوهش، گروه‌های هدف اطلاع‌رسان را تعریف کند (فراستخواه).

تکنیک به کار رفته در نمونه‌برداری در این مرحله از پژوهش حاضر از نوع گلوله برفی میباشد. نمونه‌گیری گلوله برفی، روشی است که براساس آن، واحدهای نمونه ضمن ارائه اطلاعات در مورد خود، درباره واحدهای دیگر جامعه نیز روش کار به این صورت بود که ابتدا یک اطلاعاتی را در اختیار پژوهشگر قرار میدهند (Straus & Corbin).

گروه اولیه جهت مصاحبه انتخاب شده و در ادامه بر اساس معرفی گروه نخست با سایر گروه‌های بعدی مصاحبه انجام شده است. مصاحبه تا جایی ادامه داشته که اندیشه جدیدی حاصل نشده است یعنی در واقع کفایت نظری یا اشباع نظری رخ داده است. لازم به ذکر است که از مصاحبه ۱۲ به بعد، مقوله جدیدی (کد جدیدی) در مصاحبه‌ها مشاهده نشد اما با این وجود مصاحبه تا نفر ۲۰ ادامه یافته است تا از اشباع کامل نظری اطمینان حاصل شود، به این ترتیب، در مجموع ۲۰ مصاحبه انجام شد که اطلاعات مربوط به مشخصات مصاحبه‌شوندگان در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول (۱): مشخصات افراد مصاحبه‌شونده

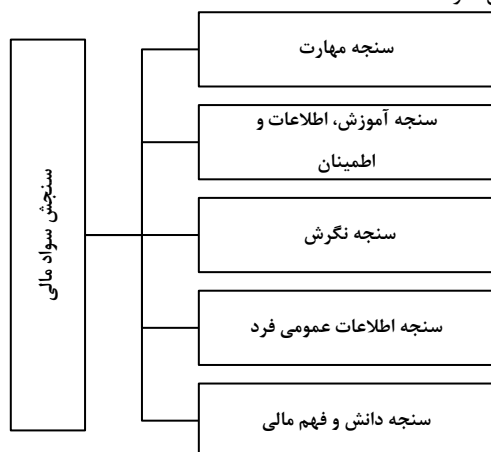
شماره مصاحبه‌شونده	تحصیلات	رشته تحصیلی	سمت	سابقه کار (سال)
۱	دکتری	مدیریت مالی	هیئت علمی	۱۱
۲	دکتری	اقتصاد پولی-مالی	هیئت علمی	۲۰
۳	دکتری	مدیریت مالی	هیئت علمی	۱۴
۴	دکتری	مدیریت مالی	مدیر	۱۴
۵	دکتری	اقتصاد	مدیر	۱۳
۶	دکتری	حسابداری	مدیر	۱۷
۷	کارشناسی ارشد	مدیریت مالی	معاون	۲۷
۸	کارشناسی ارشد	مدیریت مالی	معاون	۱۲
۹	کارشناسی ارشد	مدیریت مالی	کارشناس مسئول	۱۲
۱۰	دکتری	مدیریت مالی	هیئت علمی	۱۹
۱۱	دکتری	مدیریت مالی	مشاور	۲۹
۱۲	دکتری	اقتصاد	هیئت علمی	۱۹
۱۳	دکتری	حسابداری	هیئت علمی	۲۳
۱۴	دکتری	مدیریت مالی	مدیر	۱۸
۱۵	دکتری	مدیریت مالی	مدیر	۲۵
۱۶	کارشناسی ارشد	حسابداری	معاون	۱۶
۱۷	دکتری	حسابداری	هیئت علمی	۳۰
۱۸	دکتری	اقتصاد	هیئت علمی	۱۶
۱۹	کارشناسی ارشد	اقتصاد	معاون	۱۲
۲۰	دکتری	مدیریت مالی	هیئت علمی	۲۴



نمودار ۱. مشخصات افراد مصاحبه شونده

۱-۶- سنجش و اندازه‌گیری سواد مالی

یکی از مسائلی که در مصاحبه‌های مربوط به روش تحقیق کیفی از خبرگان مطرح می‌شود، اندازه‌گیری و سنجش سواد مالی سرمایه‌گذاران خرد بازار سرمایه با هدف ارائه مدل بومی جهت سنجش سواد مالی سرمایه‌گذاران خرد بازار سرمایه بود. بر اساس تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از داده‌های کیفی، الگوی بومی زیر جهت سنجش سواد مالی سرمایه‌گذاران خرد ارائه می‌شود:



نمودار (۲) مدل مفهومی سنجش سواد مالی سرمایه‌گذاران خرد بازار سرمایه

۷- یافته‌های پژوهش

۷-۱- یافته‌های بخش کیفی:

با استفاده از تکنیک هفت مرحله‌ای کولایزی و کد گذاری باز، محوری و انتخابی، ۴۷ تم فرعی و ۱۱ تم اصلی (مولفه) شناسایی گردید. پس از شناسایی عوامل مؤثر بر سواد مالی مدیران، با تکنیک دلفی فازی، شاخصه‌ها تأیید و اعتبارسنجی و در گام بعدی به کمک روش تحلیل سلسله‌مراتبی فازی به روش بوکلی وزن حوزه‌ها و مولفه‌ها از نظر خبرگان مالی تعیین گردید. نرخ سازگاری برای پرسشنامه مقایسات زوجی در این پژوهش برای همه پاسخ‌دهندگان از روش گوگوس و بوچر محاسبه و نرخ آنها کمتر از ۰/۱ بوده، بنابراین پرسشنامه‌ها سازگار می‌باشند. وزن حوزه‌ها و مولفه‌های سواد مالی به شرح جدول ۳ می‌باشد:

جدول (۴): وزن حوزه‌ها و مولفه‌ها

اوزان	مولفه	اوزان	حوزه
۰/۲۹۵	کسب درآمد، پس انداز و سرمایه‌گذاری	۰/۳۰۶	سواد مالی عمومی
۰/۵۵۳	خرج و استقراض		
۰/۱۵۲	بیمه و بازنشستگی		
۰/۱۵۲	شناخت صورت‌های مالی		
۰/۰۶۳	تحلیل صورت‌های مالی		
۰/۰۶۳	قوانین و مقررات بیمه تأمین اجتماعی		
۰/۰۶۵	قوانین و مقررات کار		
۰/۱۲۳۳	قوانین و مقررات مالیاتی	۰/۶۹۴	سواد مالی تخصصی
۰/۱۰۸	قوانین و مقررات تجارت		
۰/۰۸۱	قوانین و مقررات بانکداری		
۰/۰۷۸۲	قوانین و مقررات چک		
۰/۰۶۰۵	قوانین و مقررات پولشویی		
۰/۰۵۲	قوانین و مقررات صادرات و واردات		
۰/۰۵۴	قوانین و مقررات بازار سرمایه (بورس)		

با توجه به متن مصاحبه با خبرگان و مولفه‌های شناسایی شده تعداد ۷۶ سوال در بخش سواد مالی تخصصی طراحی و سپس به روش دلفی فازی تعداد ۲۸ سوال از ۷۶ سوال انتخاب شد. زمانی که اختلاف میانگین نظرات خبرگان درباره سوالات مطرح شده در پرسشنامه، طی دو مرحله متوالی دلفی فازی کمتر از ۰/۱۵ شود، اجرای دلفی متوقف و از سوالاتی که امتیاز خوب کسب کرده باشند (میانگین امتیاز آنها تقریباً در محدوده عدد مثلثی ۵، ۷، ۹ باشد) به منظور تهیه پرسشنامه استاندارد سنجش سواد مالی مدیران استفاده می‌شود.

اکثریت خبرگان با تعداد ۴۰ سوال موافق بودند که با توجه به نتایج روش تحلیل سلسله مراتبی فازی، رتبه سواد مالی عمومی تقریباً ۳۰٪ سواد مالی تخصصی تقریباً ۷۰٪ تعیین شده بود، تعداد ۱۲ سوال عمومی (برگرفته از پژوهش یعقوب نژاد و همکاران) و با توجه به اوزان مولفه های سواد مالی تخصصی تعداد ۲۸ سوال انتخاب گردید.

۲-۷- یافته های بخش کمی

در این پژوهش با کمک آزمون کولموگروف - اسمیرنوف فرض آماری نرمال بودن اطلاعات جمع آوری شده را مورد آزمون قرار میگیرد. با عنایت به بیشتر بودن سطح معناداری متناظر با متغیرها نسبت به ۰/۰۲۵ به این نتیجه رسیده که با اطمینان ۰/۹۵ متغیرهای مذکور دارای توزیع نرمال می باشند، بنابراین از آزمون های پارامتریک استفاده می شود.

جدول (۵): آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای متغیرهای پژوهش

نتیجه	سطح معناداری	آماره آزمون	
نرمال است	۰/۰۶۳	۱/۹۰۸	سواد مالی عمومی
نرمال است	۰/۰۸۵	۱/۲۵۶	سواد مالی تخصصی
نرمال است	۰/۰۸۱	۱/۵۱۱	سواد مالی

۸- بررسی فرضیه های پژوهش

تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از آزمون مقایسه میانگین ها انجام می شود. ابتدا با عنایت به نرمال بودن اطلاعات جمع آوری شده در شاخص سواد مالی و سواد مالی تخصصی از آزمون t استیودنت استفاده می گردد.

▪ **فرضیه اول:** مدیران شرکتهای ایرانی از نظر مالی با سواد هستند.

این فرضیه به منظور بررسی کفایت سواد مالی مدیران مالی مطرح و با استفاده از تکنیک های آماری مقایسه میانگین تجزیه و تحلیل شده است. در ادامه خلاصه نتایج آزمون مقایسه میانگین، آزمون t استیودنت برای امتیاز سواد مالی مدیران ارائه می گردد:

جدول (۶): نتایج آزمون t استیودنت برای مقایسه سواد مالی

نتیجه	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره t
تائید نمی شود	۰/۰۰۱	۲۲۸	-۳/۵۷۱

یافته های جدول فوق نشان میدهد که فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه «مدیران از نظر مالی با سواد هستند» با اطمینان ۰/۹۵ رد می گردد. در حقیقت نتایج فرضیه فوق نشان میدهد که با اطمینان ۰/۹۵ مدیران کم سواد هستند. در ادامه آزمون مقایسه میانگین برای سواد مالی عمومی و تخصصی مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت:

جدول (۷): نتایج آزمون t استیودنت برای مقایسه سواد مالی عمومی

نتیجه	سطح معناداری	آماره t		
عدم تایید	۰/۳۸۸	۰/۸۶۵	کسب درآمد، پس انداز و سرمایه گذاری	سواد مالی عمومی
عدم تایید	۰/۰۰۱	-۶/۷۸	خرج و استقراض	
تایید	۰/۰۰۱	-۶/۱۳	بیمه بازنشستگی	
عدم تایید	۰/۱۰۶	-۱/۶۲	سواد مالی عمومی	
عدم تایید	۰/۰۰۱	-۶/۴۱	شناخت صورت های مالی	سواد مالی تخصصی
عدم تایید	۰/۴۶۹	-۰/۷۲	تحلیل صورت های مالی	
تایید	۰/۰۰۱	۳/۵۶	قوانین و مقررات تجارت	
عدم تایید	۰/۲۱۷	-۱/۲۳	قوانین و مقررات مالیاتی	
تایید	۰/۰۰۱	۱۲/۸۵۱	قوانین و مقررات بیمه تامین اجتماعی	
تایید	۰/۰۰۱	۳/۴۳۴	قوانین و مقررات کار	
عدم تایید	۰/۵۲۳	-۰/۶۴۰	قوانین و مقررات چک	
عدم تایید	۰/۰۰۱	-۱۴/۱۰۴	قوانین و مقررات بانکداری	
تایید	۰/۰۰۲	۳/۰۹۲	قوانین و مقررات واردات و صادرات	
تایید	۰/۰۳۰	۲/۱۸۴	قوانین و مقررات بازار سرمایه (بورس)	
عدم تایید	۰/۰۰۱	-۷/۵۲۷	قوانین و مقررات پولشویی	
عدم تایید	۰/۰۰۱	-۳/۵۷۱	سواد مالی تخصصی	

یافته های جدول فوق بیانگر کمتر بودن سواد مالی عمومی و تخصصی مدیران شرکت کننده در تحقیق میباشد و در هر دو مورد سواد مالی عمومی و تخصصی فرضیه اول پژوهش رد می شود.

البته در مولفه های بیمه بازنشستگی از سواد مالی عمومی و قوانین و مقررات تجارت، قوانین و مقررات بیمه تامین اجتماعی، قوانین و مقررات کار، قوانین و مقررات واردات و صادرات و قوانین و مقررات بازار سرمایه (بورس) از سواد مالی تخصصی فرضیه اول پژوهش با اطمینان ۰/۹۵ تأیید می گردد.

▪ **فرضیه دوم:** بین ویژگی های جمعیت شناختی مدیران و سطح سواد مالی آنها رابطه معنی داری وجود دارد. در این پژوهش سه مولفه سن، جنسیت و وضعیت تاهل به عنوان ویژگی های جمعیت شناختی مدیران در نظر گرفته شده است و برای مقایسه سطح سواد مالی مدیران از تحلیل واریانس چند متغیره استفاده گردیده است. یافته های جدول ۸ نشان میدهد که هیچ یک از ویژگی های جمعیت شناختی تأثیر معناداری بر سواد مالی، سواد مالی عمومی و سواد مالی تخصصی نداشته اند که با نتایج فرناندز (۲۰۱۶) سازگار می باشد.

جدول (۸): نتایج آزمون آنالیز واریانس برای سطح سواد مالی بر اساس ویژگی‌های جمعیت شناختی مدیران

سواد مالی تخصصی		سواد مالی عمومی		سواد مالی (نمره کل)		
سطح معناداری	آماره F	سطح معناداری	آماره F	سطح معناداری	آماره F	
۰/۰۰۱	۷۶۰/۸۷۵	۰/۰۰۱	۶۳۸/۲۵۴	۰/۰۰۱	۱۰۰۷/۳	اثرات ثابت
۰/۱۲۸	۱/۸۰۸	۰/۲۵۲	۱/۳۵۱	۰/۱۱۳	۱/۸۸۹	سن
۰/۹۷۲	۰/۰۰۱	۰/۰۷۳	۳/۲۳۵	۰/۵۳۶	۰/۳۸۵	جنسیت
۰/۰۹۸	۲/۷۶۱	۰/۷۱۳	۰/۱۳۶	۰/۲۲۰	۱/۵۱۱	وضعیت تاهل

▪ **فرضیه سوم:** بین سطح تحصیلات (کمتر از دیپلم، دیپلم، کاردانی و کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) مدیران و سطح سواد مالی آنها رابطه معنی داری وجود دارد.
با عنایت به اینکه متغیر سطح تحصیلات مدیران دارای پنج رده کمتر از دیپلم، دیپلم، کاردانی و کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری می باشد در ادامه با استفاده از تحلیل واریانس یک طرفه و آزمون تعقیبی توکی سطح سواد مالی مدیران مورد ارزیابی قرار میگیرد که نتایج در جدول ۹ ارائه شد:

جدول (۹): نتایج آزمون آنالیز واریانس برای سطح سواد مالی بر اساس سطح تحصیلات مدیران

سطح معناداری	آماره F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
۰/۰۰۱	۴/۷۹۸	۸۹۵/۵۲۴	۴	۳۵۸۲/۰۹۷	بین گروهی
-	-	۱۸۶/۶۵۳	۲۲۴	۴۱۸۱۰/۲۶۱	درون گروهی
-	-	-	۲۲۸	۴۵۳۹۲/۳۵۸	کل

یافته‌های نگاره فوق نشان میدهد که با اطمینان ۰/۹۵ فرضیه مزبور تأیید میگردد که با نتایج پژوهش‌های التیمی و بن کالی، آتیکسون و مسی، فرناندز و نگوین در دیگر جوامع سازگار است.

▪ **فرضیه چهارم:** بین تجربه و سابقه مدیریت مدیران و سطح سواد مالی آنها رابطه معنی داری وجود دارد.
با عنایت به بررسی انجام شده تجربه و سابقه مدیریت مدیران متغیر طبقه بندی شده و دارای چهار سطح می باشند لذا مشابه با فرضیه‌های قبل از تحلیل واریانس یک طرفه و آزمون تعقیبی توکی برای ارزیابی فرضیه فوق و همچنین سواد مالی عمومی و تخصصی استفاده میشود.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به شرایط موجود در کشور و حرکت به سوی خصوصی سازی، تمام افراد به ویژه مدیران شرکتهای باید دارای سطح معقولی از اطلاعات مالی بوده و قدرت تجزیه و تحلیل در بازارهای مالی را داشته باشند. تصمیمات مدیران با آینده واحد تجاری گره خورده است به طوری که هر چه مدیران از سطح سواد، دانش و تجربه بیشتری برخوردار

باشند تصمیماتی مناسب‌تر در جهت حفظ منافع ذینفعان و سازمان‌ها می‌نمایند و این امر موجب شده، تجربه و تخصص و دانش مدیران بیشتر از گذشته مورد توجه قرار گیرد.

پژوهش حاضر با اهداف تعیین حوزه‌ها و مولفه‌های با اهمیت سواد مالی تخصصی مدیران و تدوین پرسشنامه استاندارد و سازگار با محیط تجاری و اقتصادی ایران جهت سنجش سواد مالی مدیران و اندازه‌گیری سواد مالی آنها طراحی و اجرا گردیده است. نظر به این که در مطالعات قبلی برای سنجش سواد مالی مدیران از پرسشنامه سواد مالی عمومی استفاده شده است در حالی که مدیران علاوه بر سواد مالی عمومی بایستی مجهز به آگاهی و دانش تخصصی لازم در سایر زمینه‌های مالی مانند؛ شناخت و تحلیل صورت‌های مالی و آشنایی با انواع قوانین مقررات نیز باشند، برای این منظور با استعانت از ۱۰ نفر از خبرگان مالی که دارای مرتبه استاد یاری و بالاتر در حوزه حسابداری و مالی بوده‌اند و با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی مصادیق و مولفه‌های سواد مالی تخصصی شناسایی و با مدد روش‌های دلفی فازی و AHP فازی پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۴۰ سؤال ۴ گزینه‌ای حاوی ۱۲ سؤال عمومی و ۲۸ سؤال تخصصی تهیه و به عنوان ابزار استاندارد اندازه‌گیری سواد مالی مدیران شرکتها در پژوهش مورد استفاده قرار گرفت.

بخش دوم پژوهش به اندازه‌گیری سواد مالی مدیران شرکت‌ها تخصیص یافته است. در این راستا با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای پنج استان کشور انتخاب و پرسشنامه مورد نظر بین ۲۲۹ نفر که در هر استان به روش تصادفی طبقه‌بندی شده تعداد آنها تعیین گردیده توزیع و جمع‌آوری شده است. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان دهنده عدم کفایت سواد مالی مدیران در حوزه‌های سواد مالی عمومی و تخصصی می‌باشد، بر اساس آزمون انجام شده در خرده‌مقیاسه‌ای سواد مالی عمومی در حوزه بیمه‌بازنشستگی سواد مالی مدیران تأیید گردید و در حوزه‌های کسب درآمد، سرمایه‌گذاری و پس‌انداز و خرج و استقراض تأیید نشده است. همچنین در حیطه سواد مالی تخصصی در خرده‌مقیاسه‌ای شناخت صورت‌های مالی، تحلیل صورت‌های مالی، قوانین و مقررات مالیاتی، چک، بانکداری و پولشویی نیز تأیید نمی‌گردد. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شامل؛ جنسیت، سن و وضعیت تاهل با سطح سواد مالی مدیران اعم از عمومی و تخصصی رابطه معناداری ندارد. میان سطح تحصیلات و سطح سواد مالی مدیران ارتباط معناداری وجود دارد و این ارتباط معنادار بین سطح تحصیلات و سواد مالی تخصصی می‌باشد. گذراندن دوره‌های مالی با سطح سواد مالی ارتباط معناداری دارد همچنین، متغیرهای اندازه شرکت و نوع صنعت ارتباط معناداری با سطح سواد مالی اعم از عمومی و تخصصی دارند و نیز میان زمینه فعالیت شرکت و سواد مالی کلی و سواد مالی تخصصی ارتباط معناداری وجود دارد.

بر اساس یافته‌های پژوهش در بخش کمی، پیشنهادهایی به شرح زیر بیان می‌گردد:

سواد مالی عمومی مدیران در حوزه خرج و استقراض کافی نیست لذا به مدیران توصیه می‌گردد، مهارت‌های خرج و استقراض (نظیر، مراجعه به نظام بانکی و اخذ تسهیلات، استفاده از کارت‌های اعتباری و ...). را به نحو مقتضی و از طریق آموزش‌های مناسب فراگیرند.

سواد مالی تخصصی در حوزه شناخت و تحلیل صورت‌های مالی ناکافی بود، لذا به مدیران توصیه می‌گردد که شناخت اجمالی از اقلام صورت‌های مالی و کاربرد هر یک از آنها و روش‌های تحلیل این صورت‌ها را برای درک وضعیت مالی، عملکرد و نقدینگی شرکت و مقایسه آن را با دوره‌های گذشته، از طریق شرکت در دوره‌های آموزشی مالی فراگیرند.

مدیران سواد مالی تخصصی کافی در مورد بعضی از قوانین و مقررات مانند، قوانین و مقررات مالیاتی، چک، بانکداری و پولشویی را نداشتند. عدم آشنایی مدیران با قوانین مالیاتی باعث خروج منابع مالی از طریق عدم استفاده از تسهیلات قانونی یا ایجاد جرایم مالیاتی می‌گردد. بهترین تامین‌کننده سرمایه در ایران، بانک‌ها می‌باشند، مدیران باید برای کاهش هزینه‌های تامین مالی، از قوانین نظام بانکداری (انواع وام‌ها، تسهیلات و عقود بانکداری) شناخت کافی داشته باشند. بر اساس قوانین پولشویی، مسئول مستقیم عدم رعایت این قوانین مدیرعامل می‌باشد، پس باید از این قوانین مانند، شناخت مصادیق پولشویی، نحوه برخورد با معاملات مشکوک آگاهی کافی داشته باشند، بنابراین به مدیران توصیه می‌شود آگاهی و سواد خود را در این حوزه‌ها افزایش دهند.

با توجه به عدم ارتباط مقطع تحصیلی با سطح سواد مالی عمومی مدیران، پیشنهاد می‌گردد راهکارهای ارتقای سواد مالی عمومی در دانشگاه‌ها در دستور کار محافل و سازمان‌های متولی آموزش عالی در کشور قرار گیرد. نتایج نشان داد تجربه و سابقه مدیریت مدیران رابطه معناداری با سواد مالی دارد، کسب مهارت‌های مالی در اثر تجربه و آن‌هم بدون آموزش می‌تواند تاوان سنگینی برای شرکت داشته باشد زیرا مدیران با گذشت زمان و در مواجهه با مسائل و مشکلات، به احتمال زیاد، با آزمون و خطا مسائل مالی جدید را فرا می‌گیرند ولی خطاها ممکن است موجب بروز مشکلات جدی گردد که به شرکت آسیب می‌رساند، بنابراین یادگیری و کسب مهارت‌های مالی بهتر است با آموزش باشد نه صرفاً بر مبنای تجربه. لذا مجدداً تحت آموزش سواد مالی قرار گرفتن مدیران شرکت‌ها مورد توصیه محققین است. گذراندن دوره‌های مالی با سواد مالی ارتباط معناداری دارد، بنابراین به مدیران پیشنهاد می‌شود که در کلاس‌های آموزش مالی شرکت نمایند و به سهامداران پیشنهاد می‌شود، از طرق مختلف، انگیزه لازم برای مدیران جهت گذراندن این دوره‌ها را فراهم نمایند.

سواد مالی مدیران شرکت‌های کوچک (اعم از عمومی و تخصصی) کافی نیست که این باعث می‌شود مدیران چنین شرکت‌هایی در تصمیم‌گیری‌های مالی خود دچار خطا و اشتباه شوند که بر تداوم حیات شرکت در آینده تاثیر داشته باشد، بنابراین مدیران چنین شرکت‌هایی باید از طرق مختلف، سطح سواد مالی عمومی و تخصصی خود را افزایش دهند.

با توجه به نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود سهامداران شرکت‌ها به نقش سواد مالی مدیران در تصمیمات متخذه توجه داشته و در انتخاب اعضای هیئت مدیره شرکت‌ها را مد نظر قرار دهند و ترجیحاً مدیرانی را انتخاب نمایند که علاوه بر داشتن توانایی مدیریتی، از نظر سواد مالی نیز با کفایت باشند یا مدیران را به نحوی انتخاب نمایند که حداقل تعدادی از اعضای هیئت مدیره دارای تخصص مالی باشند.

فهرست منابع

- ادیب منش، مرزبان، صدر، آمنه (۱۴۰۱). طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی ارتقای مهارت‌های زندگی؛ فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران ۶۲: ۲۲۳-۲۵۶.
- بیگی، نفیسه؛ رضازاده بهادران، حمیدرضا؛ خسروی بابادی، علی اکبر؛ پوشنه، کامبیز (۱۴۰۰). طراحی و اعتباریابی میدانی الگوی اجرای ارزشیابی پیشرفت؛ مطالعات برنامه درسی ایران. ۱۶(۶۲)، ۸۳-۱۱۰.
- قادری، صلاح الدین، زهرا لشگری، یداله تاروی وردی و امیررضا کیقبادی، مدل مدیریت ریسک شرکتی و پیامدهای آن بر عملکرد حسابداری و اقتصادی شرکت"، مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۷ (۶۵)، صص ۱۷۳-۱۳۹.
- محمد شریفی، نیکو، سید علی نبوی چاشمی و ناصرعلی یداله زاده طبری، (۱۴۰۰)، نقش مدیریت ریسک سازمانی بر عملکرد شرکت در فرآیند ادغام و اکتساب با استفاده از الگوی دو مرحله ای حکمن"، مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، ۱۲ (۴۶)، ۴۴۸-۴۳۵.
- محمدشریفی، نیکو، سیدعلی نبوی چاشمی و ناصرعلی یداله زاده طبری، (۱۴۰۱)، نقش مدیریت ریسک سازمانی بر عملکرد شرکت در فرآیند ادغام و اکتساب با استفاده از الگوی دو مرحله ای حکمن، مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار ۱۲(۴۶)، ۴۴۸-۴۳۵.
- Ahmed, Zeeshan, Shahid Rasool, Qasim Saleem, Mubashir Ali Khan, and Shamsa Kanwal. (2022). Mediating role of risk perception between behavioral biases and investor's investment decisions. Sage Open. Vol. 12. 1-18.
- Akhtar, S. & Liu, Y, (2022), "SME Managers and Financial Literacy; Does Financial Literacy Really Matter?", Journal of Public Administration and Governance, 8(3), PP. 353-373.
- Ansari, Yasmeeen, Albarrak, Mansour Saleh, Sherfudeen, Noorjahan, Aman, Arfia. (2023). Examining the relationship between financial literacy and demographic factors and the overconfidence of Saudi investors. Research Letters. Vol. 52, March 2023. 103582.
- Ghaderi, S &, Tariverdi, Y, (2022), "Corporate Risk Management Model and Its Consequences in Effective Control of Corporate Profit Characteristics", the Financial Accounting and Auditing Researches, 12(46), PP. 77-106. [In persian].
- Ghaderi, S, Lashkari, Z, Tariverdi, Y & Keighobadi, A, (2021), "Corporate Risk Management Model and Its Consequences on the Accounting and Economic Performance of the Company", Empirical Studies of Financial Accounting, 17(65), PP. 139-173. [In persian].
- MohamadSharifi, N, Nabavi Chashemi, S.A & Yadollahzade Tabari, N, (2021), "The Role of Organizational Risk Management on Firm Performance in the Merger and Acquisition Process Using the Hackman Two-step Model", Financial Engineering and Securities Management, 12(46), PP. 435-448. [In persian].
- Callis, Zoe, Gerrans, Paul, Walker, Dana L., Gignac, Gilles E. (2023). The association between intelligence and financial literacy: A conceptual and meta-analytic review. Intelligence Vol. 100. September-October 2023. 101781.
- Rezai, F, Firooz Alizade, A & Noor mohammadi, E, (2020), "Relationship between Management Ability and Integrated Risk Management Components", the Financial Accounting and Auditing Researches, 12(48), PP. 23-42 [In persian].

Gignac, Gilles ,, Jones, Chloe, Mason, Natalie, Yuen,Isabelle, Zajenkowski, Marcin .(2023). Personality and Individual Differences. Predicting attitudes toward cryptocurrencies and stocks: The divergent roles of narcissism.intelligence and financial literacy. Vol. 215. December 2023. 112382.

The impact financial literacy of company managers on work place effectiveness and profitability

Ahmad Feizizadeh

Department of Commerce, Azad Islamic University, Tehran, Iran

Abstract

Measurement of financial literacy of various classes of society has been considered in many internal and foreign studies, but the evaluation of the financial literacy of the companies' managers has not been noticed especially in the national level. So, the present study was designed and conducted with the aim of evaluation of the financial literacy of the companies' managers and identifying the factors effective on it.

In the qualitative stage of the study, the components of managers' financial literacy have been identified using phenomenological method and after being verified and weighted, the managers' financial literacy questionnaire was codified and approved by the experts. Then, in the quantitative stage of the research, using cluster sampling method, the questionnaires were distributed among 229 managing directors and members of the board of directors of the selected companies and the collected data was analyzed using appropriate statistical techniques.

The findings of the qualitative section indicates that the components of the managers' specialized financial literacy include analysis and identification of the financial statements, familiarity with the rules of insurance, labor , taxation, banking, cheque , money laundering, export and import and capital market. The results of testing hypotheses in the quantitative section also indicate inefficiency of managers' financial literacy in the general and private financial literacy domains. Some factors including educations, management record, the size of the company and passing financial courses may influence the managers' financial literacy.

The results showed that the managers lack sufficient financial literacy especially in the specialized domains and they are required to appropriately increase their financial skills in the specialized domain. The present study has presented an appropriate instrument for evaluation of the managers' financial literacy with a qualitative phenomenological approach for the first time in Iran and this may be a starting point for performing new studies in this domain.

